معیار تأیید شعر در اسلام ایمان شاعر است

مصاحبه با دکتر کامیار صداقت ثمرحسینی
عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نسیم آنلاین (نسخه آزمایشی)
Nasim News Agency
صفحه اصلی | سیاست | فرهنگ | ورزش | جامعه

یکشنبه ۸ شهریور ۱۳۹۴ ، ۱۱:۳۲ — فرهنگ › دین و اندیشه

ثمرحسینی: معیار تأیید شعر در اسلام ایمان شاعر است

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی درگفتگو با «نسیم» ضمن بررسی جایگاه شعر و شاعری در شیعه، با تاکید بر اینکه الفاظ وسیله‌ای برای انتقال معانی موردنظر شاعرند و از خود استقلالی ندارند، گفت: شاعران بزرگ اسلامی در صف مقدم پیام‌آوران غدیرند

گروه فرهنگی خبرگزاری «نسیم»، فاطمه مقدمی- شعر یکی از کهن ترین گونه‌های ادبی و شاخه‌ای از هنر به حساب می‌آید. ابزاری فرهنگی که اثرگذاری آن بر هیچ کس پوشیده نیست. این ابزار فرهنگی همچنان که مورد توجه همه فرهنگ ها قرار گرفته، ابزاری مناسب برای حرکت‌های غیر اصیل و انحرافی در حوزه های فرهنگی و دینی نیز بوده است. چنانچه در مواردی

گروه فرهنگی خبرگزاری «نسیم»، فاطمه مقدمی– شعر یکی از کهن ترین گونه‌های ادبی و شاخه‌ای از هنر به حساب می‌آید. ابزاری فرهنگی که اثرگذاری آن بر هیچ کس پوشیده نیست. این ابزار فرهنگی همچنان که مورد توجه همه فرهنگ ها قرار گرفته، ابزاری مناسب برای حرکت‌های غیر اصیل و انحرافی در حوزه های فرهنگی و دینی نیز بوده است. چنانچه در مواردی وسیله ترویج و گسترش ابتذال و معرفی ارزش‌های غیر اصیل و غیر دینی می گردد. شاید بتوان شعر پست مدرن را از این موارد خواند. جهت بررسی بیشتر رویکرد شیعه به این ابزار فرهنگی و چگونگی برخورد اهل بیت با اشعار مبتذل به گفتگو با کامیار صداقت ثمر حسینی، عضو هیأت علمی و استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پرداختیم که مشروح آن را از نظر می‌گذرانید.

نسیم: شعر به عنوان یکی از ابزارهای هنری در میان مسلمانان چه جایگاهی دارد؟

ثمرحسینی: تمام فنون ادب عربی مولود ظهور اسلام و نزول قرآن مجید است و توسعه این علوم در زبان فارسی در امتداد آن بوده است. الفاظ همواره وسیله‌ای برای انتقال معانی موردنظر شاعرند و از خود استقلالی ندارند و شاعران برجسته، حکیمانی نکته سنج بوده‌اند که همچون حافظ شیرازی در ضمن خیال‌انگیزترین و دلکش‌ترین غزلیّات خود، حکمتهای پُربار و انسان‌سازی را از قرآن مجید و احادیث شریفه به مخاطبشان منتقل کرده‌اند. اتفاقاً از همین روست که شعر حافظ و امثال او انسان را تربیت می‌کند و مربیان دلسوز، با مأنوس کردن کودکان با منتخباتی از ادب فارسی، طبعشان را شکوفا و تربیتشان را نیکو می‌کنند. وقتی مایه و محتوای شعر مملو از معانی عالیّه ادبی و اخلاقی و دینی در قالب واژگانی مناسب، و نظمی سرشار از ذوق باشد، مخاطب با خواندن آنها مؤدب می‌شود و امروزه کم نیست تحقیقاتی که نقش قرآن و احادیث شریفه را در مضامین شعر شاعران مختلف مورد توجه قرار داده است.

نسیم: برخورد پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) و حتی علمای اسلام با شعرا و هنر شاعری چگونه بوده؟

ثمرحسینی: خداوند متعال در آیهٔ ۲۲۴ از سوره شعراء میفرماید: «وَ الشُّعَرَآءُ یَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ» یعنی: «و شاعرانِ [کافر و بی ایمان] را گمراهان پیروی می‌کنند.» در شأن نزول این آیه آمده است که شاعران کافر مدعی شدند که «ما هم مثل محمّد شعر می‌گوییم! و عده‌ای گمراه و بی‌مایه دور آنان جمع شدند» آنان هنرشان را در مقابل قرآن قرار دادند و بدینسان هم خود را تباه کردند و هم عامل گمراهی جماعتی شدند.

البته در مقابل شاعران بی‌ایمان، شاعران با ایمان بزرگی حضور داشتند؛ چنانکه بعد از نزول آیه مذکور، برخی از شعرای بزرگ از صحابه رسول الله (ص) نظیر حَسّان بن ثابت و ابن رواحه محضر رسول الله (ص) رسیدند و غمگین و گریان عرض کردند که ما شاعریم و نگرانیم که مبادا اهل ضلالت باشیم. حضرت فرمودند: «إنَّ المؤمنَ یُجاهِدُ بسَیفِهِ ولِسانِهِ» (مؤمن با شمشیر خود و با زبان خود جهاد می‌کند.) اگر شاعر دین خدا را یاری کند، از زمره «مجاهدان فی سبیل الله» است. و در تفسیر منهج الصادقین نیز آمده است

که مشرکان پیامبر اکرم (ص) را هجو کردند، حضرت فرمود: «ما مَنَعَ الّذینَ نَصَرُوا رَسولَ اللَّهِ بِسُیوفِهِم أنْ یَنصُروْ بِألسِنَتِهِم» چه چیز مانع آن می‌شود که آنان که رسول الله (ص) را با شمشیرهای خود یاری کردند، با زبان‌های خود نیز نصرت دهند؟ و حسّان و ابن رواحه در پاسخ عرض کردند: ما چنین می‌کنیم.

و بدین مناسبت خداوند متعال، در ادامه همان سوره آیه شریفه ۲۲۷ را نازل فرمود که در آن شاعران با ایمانی که یاد خدا باشند و اشعارشان مایه غفلت و دوریشان از یاد خدا نشود، استثنا شدند.

و خوب است به همین مناسبت اشاره‌ای شود به گسترش اسلام در مناطق وسیعی از هند و کشمیر که مرحوم علامه استاد سید جعفر شهیدی (ره) دیدگاه جالب‌توجهی درباره آن دارد، او می‌نویسد که در طول سیزده قرن و نیم، پادشاهان و امیرانی از نژاد عرب، ترک، ایرانی و افغانی به هند حمله کردند؛ ولی دین اسلام به معنای حقیقی آن‌که رسالت صلح و صفا و آرامش است، تنها در دورهٔ بابریان (مقارن با سلطنت صفویان در ایران) به سرزمین هند رفت؛ آن‌هم نه با موکبِ پادشاهان و کشورگشایی آنان بلکه همراه عناصر صلح‌جویی که به‌تدریج از ایران به این منطقه سفر کردند و در نقاط مختلف هند جای گرفتند.

صدها تن شاعر و ادیب و تاریخدان و حتی فقیه به‌حکم آنکه مسلمان بودند و بی‌آنکه قصد تبلیغ دین داشته باشند، جوهر دین اسلام را در قالب الفاظی شیرین در ذائقهٔ مردم هند ریختند. این‌ها بودند که تبلیغ کلمات بلند و مضامین عالی سنائی غزنوی، مولانا جلال‌الدین، سعدی و حافظ شیرازی را عهده‌دار شدند و به نیکوترین وجهی این رسالت را در هندوستان ادا کردند و دو سرزمین را آن‌چنان به یکدیگر پیوند دادند که هنوز هم در شهرها و حتی پاره‌ای از روستاهای هند مردمی دیده می‌شوند که به اشعار مولوی و حافظ و سعدی ترنم می‌کنند.

نسیم: آیا در تاریخ اسلام نمونه ای از برخورد منفی ائمه، پیامبر و علمای بزرگ اسلام با شعرا و شعر وجود دارد؟ در صورت وجود برخورد منفی ویژگی آن دسته از شعرا و اشعاری که مورد غضب و برخورد ایشان واقع شدند چه بوده؟

ثمرحسینی: چنانکه اشاره شد معیار تأیید شعر در اسلام ایمان شاعر است که در پی یاری دین خدا باشد. شعری که بر اخلاق بیافزاید و حریم‌ها و حرمت‌های مردمان را پاس دارد و پند و اندرزهای بزرگان را به گوش فرزندان نسل‌های آتی می‌رساند و انسان را از یاد خدا غافل نکند...

شاعران بزرگ برای خود رسالتی داشته‌اند؛ حماسه نگارش الغدیر علامه امینی بر اساس اشعار شاعران غدیر در طی تاریخ اسلام آغاز شد و به خوبی نشان داد که شاعران بزرگ اسلامی در صف مقدم پیام‌آوران غدیرند؛ و برخی شاعران همچون «حسّان بن ثابت» شعر خود را بلافاصله پس از ایراد خطبه رسول‌الله (ص) و با «اذن و اجازه حضرت» سرودند؛ با این بیت آغازین که: «يناديهم يوم الغدير نبيهم ... بخمٍ واسْمعْ بالرسولِ منادياً«

و نیازی به ذکر اشعار بلند شاعران در وصف حماسه حسینی نیست که با شعرشان به یاری قیام حضرت امام حُسین (ع) شتافتند و عملشان همواره مورد تمجید امامان معصوم (ع) بوده است و در این زمینه روایاتی موجود است.

اما اگر شاعر فردی ناباب و بی‌مایه باشد، شعرش نیز بی‌مایه و تهی از مضامین بلند انسانی و اخلاقی است و اگر شاعر جانب عفّت و پاکدامنی را رعایت نکند و بخواهد مروّج اخلاق ناروا و اعمال ناشایست شود، حاصل کارش چیزی جز تباهی و بداندیشی و بدکرداری برای او و جامعه نیست و موضع حضرات ائمه اطهار (ع) درباره آنان همان موضع قرآن و رسول الله (ص) است که پیشتر بدان اشاره شد.

راه صحیح برخورد با ترویج عقاید ناشایستی که به صورت روزافزونی در قالب‌های مختلف ادبی و با شیوه‌های گوناگون تبلیغ می‌شوند، «آموزش درست اندیشیدن» در مدارس و دانشگاه‌هاست و بجاست در این خصوص اشاره‌ای به دیدگاه مرحوم آیت‌الله حاج شیخ حسن فرید گلپایگانی (ره) (۱۳۱۹ – ۱۴۰۷ه.ق) شود که به گُمانم کلید حلّ بسیاری از معضلات علوم انسانی کشور در آن نهفته است. او از شاگردان آیات عظام عبدالکریم عبدالکریم حائری یزدی، ضیاءالدین عراقی، حسین نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی، میرزاعلی اکبر حکیم یزدی بود و در طول حیاتِ علمی خود تألیفات متعددی نگاشت. آیت‌الله فرید گلپایگانی در پایان کتاب «ترجمه مفتاح باب الأبواب» می‌نویسد درصورتی‌که مسلمانان چهار اصل زیر را رعایت کنند، هرگز گمراه نخواهند شد. اصول مورد اشاره او عبارت‌اند از:

۱ .هیچ امری را بدون دلیل قبول نکنید. قرآن مجید می‌فرماید: «وَلاَ تَقْفُ مَا لَيْسَ لَکَ بِهِ عِلْمٌ» (اسراء: بخشی از آیه ۳۶) یعنی از امری که علم بدان نداری پیروی مکن.
۲ .هیچ امری را بدون دلیل انکار نکنید؛ که به تعبیر ابوعلی سینا: هر امر عجیبی را شنیدی تا وقتی‌که برهانی برخلاف آن نباشد بگو ممکن است: کُلُّ ما قَرَعَ سَمْعَکَ مِنَ الْغَرآئِبِ فَذَرْهُ فی بُقْعَةِ الإمْکانِ، ما لَمْ یَذُرْکَ عَنْهُ قآئمُ الْبُرْهان: هر مطلب عجیب و نامأنوسی را که می‌شنوی، تا وقتی که برهانی بر ضد آن استوار نشده باشد، آنرا در بقعهٔ امکان باقی گذار!» [انسان نباید آنچه را که بدان علمی ندارد، رد کند؛ دقیقاً مانند وقتی که نباید بدون علم امری را تصدیق کند. در وضعیت مذکور، چنانکه ابن سینا اشاره دارد، انسان باید توقف کند و از تصدیق و تکذیب آنچه بدان علم ندارد بپرهیزد و به جای حکم کردن، یاد بگیرد[.
۳ .هر مسئله‌ای را که می‌خواهید استنباط کنید پس از کسب مبادی لازمه استنباط، از راه آن با قوه مدرکه و برهان مخصوص به آن نوع، استنباط کنید؛ محسوسات را با حواس ظاهره، معقولات را با قوه عاقله و منقولات را با نقل صحیح معتبر. قرآن مجید می‌فرماید: «فادخلوا البیوت من ابوابها» یعنی هر خانه‌ای را از در آن داخل شوید.
۴ .در علوم و فنونی که رشته تخصصی شما نیست به علمای متخصص در آن علم رجوع کنید؛ زیرا آراء و انظار آنان برای شما و بر شما سند و حجّت هستند؛ قرآن مجید می‌فرماید: «فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون» یعنی اگر چیزی را نمی‌دانید از اهل علم بپرسید.

وب نوشت شیعه شناسی

http://kamyarsedaghat.blogfa.com/post/۷۲۳

خبرگزاری نسیم

http://www.nasimonline.ir/Content/Detail/۱۶۲/۱۰۲۲۷۷۱